

سجده بسیار انسان را بهشتی می‌کند

آیت‌الله جوادی آملی مفسر قرآن کریم می‌گوید: کسی که در نماز حواسش پیش غیر خدا و متوجه زندگی است، چگونه به خود اجازه می‌دهد در پایان نماز بگوید: السلام علیکم و رحمة‌الله؟



آیت‌الله جوادی آملی مفسر قرآن کریم می‌گوید: کسی که در نماز حواسش پیش غیر خدا و متوجه زندگی است، چگونه به خود اجازه می‌دهد در پایان نماز بگوید: السلام علیکم و رحمة‌الله؟

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، واژه «عبادت» در اصل به نظر بسیاری از واژه شناسان به معنای «خضوع» است و طبری در تفسیر «جامع البیان» می‌نویسد: اصل عبودیت که به نظر او شامل عبادت نیز می‌شود، نزد همه عرب به معنای ذلت و خاکساری است.

ابوعلی سینا معتقد است: «العبادة هي غاية الخضوع والتذلل؛ عبادت نهایت خضوع و فروتنی است» و شهید مطهری در تعریف عبادت آورده است: پرستش آن حالتی است که در آن، انسان یک توجهی می‌کند که از ناحیه باطن خودش به آن حقیقتی که او را آفریده‌است و خودش را در قبضه قدرت او می‌بیند، خودش را به او نیازمند و محتاج می‌بیند. در واقع سیری است که انسان از خلق به سوی خالق می‌کند. این امر اساساً قطع نظر از فایده و اثری که داشته باشد، خودش یکی از نیازهای روحی بشر است.

آگاهی عمیق و بصیرت و اندیشه در دین، رمز ارزشمندی کارها و عبادات است و بدون آن عمل، فاقد ارزش لازم است لذا یکی از مواردی که می‌تواند ما را در انجام عبادت، راغب کند پی‌بردن به حکمت عبادات است.

آیت‌الله جوادی آملی از جمله کسانی است که به طور مفصل درباره حکمت و فلسفه اعمال عبادی دین مبین اسلام سخن گفته است. آنچه در ادامه می‌خوانید به موضوع «فلسفه سجود و سلام نماز» می‌پردازد که برگرفته از بیانات این عالم فرزانه است.

مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد: دعا کنید که خدا مرا به بهشت برد. حضرت فرمود: «أعني بكثرة السجود». من دعا می‌کنم، لیکن تو مرا با سجده‌های زیاد و طولانی کمک کن تا دعای من مستجاب شود.

سجده، انسان را خاکسار و متواضع می‌کند، انسان خاکسار هرگز نمی‌گوید «من».

کار خیری که از دست دیگران صادر شده و ما توفیق انجام آن را نداشتیم در صورتی که به آن کار راضی و خوشحال بودیم، در ثواب آن سهمیم هستیم و دیگر حسرت نمی‌بریم. اگر بسیاری از افراد گرفتار این امرند که چرا من نکردم؟ برای آن است که او عمل صالح را نمی‌خواهد، خود را می‌خواهد. ممکن است کار خیر به دست دیگران انجام شود و انسان وارسته، در ثواب شریک باشد؛ چون واقعاً به آن کار راضی است. هرگاه توانستیم نفس خویش را، که هرگز دست از ما برنمی‌دارد، سرکوب و رام کنیم آنگاه راحت هستیم؛ و این کار، به وسیله عبادت میسر است.

از وصایای امیرالمؤمنین (ع) و توصیه‌های رسول خدا (ص) است که: «و لا تباغضوا فإنها الحالقة» دشمنی و عداوت نکنید، زیرا دین را «حلق» می‌کند. تراشیدن موی سر را با تیغ، «حلق» می‌گویند. مویی که تیغ شود به این آسانی نمی‌روید. فرمود: اختلاف و عداوت، دین را تیغ زده و از ریشه می‌کند. مثل آنکه گاه انسان در اثر عداوت به دام کافری پناه می‌برد. اینکه گفته‌اند: خدا را بخوانید و بخواهید که شما را لحظه‌ای به حال خود وانگذارد، برای آن است که حسد، کینه و عداوت، دین را حلق می‌کند و چیزی برای ریشه‌های دین باقی نمی‌گذارد. هرگز کینه یکدیگر را در دل نگیرید. منشأ این امور خودخواهی است و نماز خودخواهی را از بین می‌برد.

امام صادق (ع) فرمودند: «عليك بطول السجود فإن ذلك من سنن الأوّابین» هنگام سجده زود سر از خاک برندارید. نمازهای عمومی را به طور معمول بخوانید؛ اما در حالات خاصه خود، زود سر از سجده برندارید. چون این دشمن درونی، انسان را آرام نمی‌گذارد؛ تا آخرین لحظه می‌کوشد انسان را فریب دهد.

لذا بهترین فرصت در حال نماز، حال سجده است که امام صادق (ع) فرمودند: «إن أقرب ما يكون العبد من الرب عز وجل و هو ساجد باک»؛ نزدیکترین حالت بنده به خدا وقتی است که در حال سجده باشد و گریه کند. انسان هر چه به خاک نزدیک شود به خدا نزدیکتر می‌شود.

رسول خدا (ص) در ضمن خطبه شعبانیه فرمود: «ظهورکم ثقيلة من اوزارکم فخففوا عنها بطول سجودکم» پشت‌های شما از بار گناه سنگین شده است. آنها را با سجده‌های طولانی سبک کنید. ملاحظه می‌کنید که اثر سجده تا چه حد است؟ گاهی برای انسان مقدور نیست در نمازهای واجب، سجده‌های طولانی داشته باشد؛ اما اصل سجده کردن چه در نماز، چه غیرنماز امری مطلوب و اثربخش است. هر گاه انسان از شر «خود» رهایی یافت دیگر چیزی او را نمی‌رنجاند.

حکمت سلام نمازگزار

یکی از عرفای بزرگ اسلام سخنی دارد که در کتاب «سر الصلاة» امام خمینی (ره) هم آمده است. وی می‌گوید: کسی که در نماز حواسش پیش غیرخدا و متوجه زندگی است، چگونه به خود اجازه می‌دهد در پایان نماز بگوید: «السلام علیکم و رحمة الله»؟ چون پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «المُصَلِّي يُتَاجَى رَبَّهُ» نمازگزار، مشغول مناجات با خداست. پس با مردم و در جمع دیگران نیست. وقتی نمازش تمام شد و مناجاتش با خدای سبحان به پایان رسید، از حضور خدا برمی‌گردد و در بین مردم قرار می‌گیرد و چون وارد جمع دیگران می‌شود می‌گوید: «السلام علیکم...» افرادی که در مجمع و مجلس در کنار یکدیگر نشسته‌اند، هیچ کدام به یکدیگر سلام نمی‌کنند؛ زیرا در حضور یکدیگرند. کسی که در آن جمع نیست و از جای دیگر وارد می‌شود سلام می‌کنند.

سلام آخر نماز نه دعاست و نه ذکر، بلکه تحیت است. لذا اگر در وسط نماز کسی عمداً بگوید: «السلام علیکم»، نمازش باطل است و اگر اشتباهاً گفت، باید دو سجده سهو به جا آورد. سلام آخر نماز، به عنوان تحیت و درود است؛ چون نمازگزار با خدایش مناجات می‌کند و در بین مردم نیست، وقتی که نمازش تمام شد و از مناجات با خدا برگشت و زمینی شد و به جمع مردم پیوست، به مردم سلام می‌کند. فقها نیز گفته‌اند، در نماز جماعت هنگام گفتن «السلام علیکم» امام به کدام قسمت نگاه کند، مأمومین به کدام قسمت رو کنند.

آن بزرگ عارف می‌گوید: من در تعجبم کسی که حواسش پیش زندگی است و اصلاً با خدا مناجات نکرده و از مردم جدا نشده، چگونه به خود اجازه می‌دهد که بگوید «السلام علیکم و...»؟!